

www.ketab.ir

□ ماشاءالله حزب الله

منتخب دل نوشت های سال نود

www.ketab.ir

سرشناسه	قدیانی، حسین ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور	مانشالله حزب الله (منتخب دلیغوست‌های سال نو) / تألیف حسین قدیانی
مشخصات نشر	تهران مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	۲۹۲ ص
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۵۸۸-۴
فهرست‌توسی	فیبا
موضوع	نثر فارسی - قرن ۱۴
شلسه افزوده	مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
ردمبندی کنگره	۲۱۳۹۱ ۷۳۷۸۴۲۰۲۰۱۷۴۰۲۱۳۹۱
ردمبندی دیویی	۸۶۲ / ۸۶۸
کتابشناسی ملی	۲۷۵۲۹۷۰



مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

عنوان: **ماشالله! حزب الله: منتخب دل‌نویشت‌های سال نهم**

تألیف: حسین قدیانی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۵۰۰ قیمت: ۵۱۰۰ تومان

حروف‌چینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و مصحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹۵۸۸۴

ISBN 978-964-413-588-4

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، فروردین ۵۵ به عین‌القدس، پلاک ۱۹۵۰.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی صندوق پستی ۱۹۳۹۵۳۸۹۶

تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۱	فصل دل‌نوشت.....
۱۳	دیدار باشکوه در آسمان هشتم.....
۱۵	جریان مذکور مسئله ما نیست؛ امر یکا است.....
۲۵	خسته نباشی «آقا» که علمدار انقلابی.....
۳۱	کعبه، «گهواره علی» است.....
۳۵	«نماز آیات» و نماز «آیات».....
۳۹	«جنگ شوارع» را هم انقلاب برد.....
۴۱	«کویر» را با لهجه «غدير» باید خواند.....
۵۳	تاسوعای ولادت - عاشورای ولایت.....
۵۹	من به «حاج احمد متوسلیان» رأی می‌دهم.....
۶۹	تا «ربنای مسجد ارک» چقدر مانده؟!.....
۷۳	یک «ماه» می‌نویسم یک «ماه» می‌خوانی.....
۷۷	ما تاب جمعه‌های بی‌مختار را نداریم.....
۸۳	انگلیس WEDNEZDAY دارد اما «۹دی» ندارد!.....

- دنیای امروز کوفه نیست..... ١٩
- با «شهیدان» کارها دشوار نیست..... ٩٣
- چند خط یادگاری روی دیوار دهه ٦٠..... ٩٦
- آقامجید! شما در جنگ، کی تورتو را فتح کردید؟!..... ١٠١
- شاه‌ای که در بینی نمرود سرمایه‌دار رفت، سرباز ناتو بود!..... ١٠٥
- «حاج قاسم» سفیر کربلاست؛ مسافر افق را نمی‌توان ترور کرد..... ١١٣
- دل «شهادت» تنگ شده برایت..... ١١٧
- آستانه محرم، آستانه شهادت..... ١٢١
- تقدیر خدای تعالی عباس نیست؛ تطهیر تاریخ است..... ١٢٥
- تهران؛ ٣ روز بعد از غم‌ورا..... ١٣٧
- ٩ دی! به گوشی یوم‌الله..... ١٥٥
- با من سخن بگو ٩ دی!..... ١٥٩
- «حاج بخشی» زنده است، چون «حزب‌الله» زنده است..... ١٦٩
- مجلس جای شما نیست!..... ١٧٣
- قم، قمقمه، قیام..... ١٧٧
- اسکار، سیاسی نیست!..... ١٨١
- ما و آن آرزوی اقتصادی «آقا»..... ١٨٥
- آقای اوباما! تو رئیس‌جمهور آمریکا نیستی!..... ١٨٩
- هسته‌ای آمده‌ایم..... ١٩٣
- از والفجر ٨ تا والفجر هسته‌ای..... ١٩٧
- «رگ جهاد» مجهز به «خون عماد» است..... ٢٠١
- اینجا مزار من است!..... ٢٠٥
- صف رأی! عاشق این صفم..... ٢٠٩
- بهار امسال چراغ دوکوهه با «مصطفای شهید» روشن می‌شود..... ٢١٣

۲۱۷ «۹۰» با «مصطفای شهید» چهره شد

۲۱۹ از «مصطفای بهار» تا «مصطفای یار»

۲۲۱ «قطار انتظار» در «ایستگاه بهار»

۲۲۵ فصل قصه

۲۲۶ بیت اولی‌ها

۲۲۹ تا انقلاب مهدی «خمینی» هست

۲۳۱ اشک «کربلایی زینب» بر گونه سه‌شنبه‌ها

۲۳۵ کلاه قه‌م‌ری و سرخاله

۲۳۹ مرخصی و بهشت

۲۴۵ تاج و باج و ساحل علاج و منصور الحاج

۲۴۹ قلک عطیه

۲۵۱ نجوایی با باران

۲۵۳ برای سادات خانم

۲۵۷ امضا: بابای بسیجی‌ات که خیلی تشنه‌ام

۲۵۹ مادر شهیدان زین‌الدین شعار نمی‌داند

۲۶۳ دست «عباس» از «آستین ظهور» بیرون خواهد آمد

۲۶۹ راز اشک گرم پیرمرد

۲۷۱ خیابان انقلاب، سر «وصال»

۲۷۳ چادر روز دهم

۲۸۵ محل قرار: شاید تقاطع ۱۶ آذر و بلوار کشاورز

پیشگفتار

سال ۱۳۹۰ در حالی سپری شد که آتش فتنه نااهلان و بی‌بصیرتان خاموش شده بود و ملت «حزب‌الله» پشت رهبر و مقتدای خود به سرعت برای تحقق اهداف عالی انقلاب تلاش می‌کرد. پس باید برای چنین همت و اراده‌ای «ماشاءالله» گفت. در این حرکت ۹ نقطه عزیمت دیگری است برای ملت تا به رغم عداوت‌ها و کارشکنی‌ها در پرتو کلام رهبری فرزانه و شهدای گرانقدر راه امام راحل را تداوم بخشند. در سال ۱۳۹۰ هم‌زمان مسئله، مسئله آمریکا بود و نه انحراف‌های داخلی که بی‌اهمیت‌تر از آنند به‌طور جدی به آن پرداخته شود؛ اصل نیستند فرع‌اند.

مجموعه حاضر دل‌نوشت‌های حسین قدیانی است درباره موضوعات و مسائل مختلف نظام اسلامی. او در هر مناسبتی به شهدا پناه می‌برد و آنان صحبت می‌کند و حتی به شهدا رأی می‌دهد. تحقق رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر انقلاب و نحوه عملکرد مسئولان نظام در قبال آنها، موضوع اکثر دل‌نوشته‌ها و از علاقه‌های اصلی نویسنده است که با زبان ساده و دلکش این مطالبات و انتظارات بیان می‌شود. عنوان اثر همچنان که روشن است از شعار معروف «ماشاءالله حزب‌الله» پیردل‌آور جبهه‌ها گرفته شده که در زمستان ۱۳۹۰ به یاران شهیدش پیوست.

در پایان ضمن تقدیر از نویسنده محترم، از همکاران محترم در مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات قدردانی و تشکر می‌کند.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

www.ketab.ir

دیدار باشکوه در آسمان هشتم

خدا حافظ سارا! سه پنج روزی، چند روزی آمدی و مثل یک نسیم بر ما وزیدی و رفتی. رفتی با آسمان هشتم و به خدا سپردی ما را. بدرود! انگار که یک چشم بر هم زدن بود. یک رویا، یک رویای دوست داشتنی. باورمان نمی شد این پیکر بی سر، تو باشی. دنبال دلیل می گزافیم هنوز، که از شوق باشد یا درد، که زود رفتی. رفتی بالاتر از مقر سیمرغ خلیج بالاتر از کبوتران حرم، که قربانان بروم. از بس که عاشق مادر بودی، در فاطمه آمدی و در فاطمه رفتی، اما پیکرت نه در شب، که در روز تشییع شد. در همان روز شهادت بی بی دو عالم. چه سعادت! حالا تو یک پله بالاتر از رواق، هی تازه تر کن دایه ما را. باشد؛ ما که بخیل نیستیم! تو اصلاً بخشی از خود خود خود بهشت بودی، برای ما در این اردیبهشت. زیر تابوت تو «فصل گلاب گیری» بود. لاله را این همه خوشبو ندیده بودم. بوستو تو بودی و بهار از دستان پینه بسته ات شکوفه زد. شاید هم «گل محمدی» بودی. راستی! گفتم محمد (ص)؛ همان پیامبری که علت آفرینش بود، اما بر دستان کارگر بوسه می زد. ملاک، دیری است که در آیین ما «کار» است... و در بهار «جهاد اقتصادی» رجعت پیکر تو حرف ها داشت با ما. حالا باید ای سردار کار! سر تو را

گدایی کنیم از اشراقی‌ترین بخش دجله. سری که سودای کارگری داشت، با یک
 پرچم «یا زهرا» به رنگ سرخ، با هزار چین و چروک. «بچه‌های تفحص» این بار
 باید اندیشه تو را برای ما بیاورند، تا یادمان نرود که ملاک، الی الابد کار است.
 اندیشه تو خدمت بود و ما دل به کارگر بودن تو بسته‌ایم. آمده بودیم تا سایه‌ات از
 سر ما کم نشود. آمده بودیم تا لطف کنی به ما و اجازه دهی که دست‌مان برسد به
 تابوت. تا دست‌مان را بگیری. تا شفاعت‌مان کنی. تا نگذاری که راه را گم کنیم. ماه
 را گم کنیم. ما دل‌مان به همین‌ها خوش است. به همین که یادگاری بنویسیم روی
 پرچم تابوت تو. «الای وصل تو که من نیستم، اذن به یک لحظه نگاهم بده».
 تن خاکی‌ات چه خوب شد و پشت از جنوب. بال فرشته گرفت به شانه ما و ما
 هم خاکی شدیم. خاکی. مثل عبودان حرم امام رضا (ع) که داشتند تو را تشیع
 می‌کردند. هم تو را، هم اسب ما را تا لحظه وداع، تا آخرین قطره از گریه‌های
 خاکی‌مان که گره زدیمش به «پیراهن آینه‌شان به آن نشان که عطر تابوت تو
 گرفته‌ایم. عطر خاک. تو قبل از شهادت انس دادی بودی جسم خود را به خاک.
 خاک مونس دست هر کارگری است. دست تو هم به خدمت بسته بود و باکی
 نبود اگر ۲۷ سال بعد از شهادت، بعد از عمری خاک‌شویی، دقیقاً برگردی به
 «صحن انقلاب اسلامی»...